



Social Control in Nahj al-Balaghah: Basics and Examples

Hafizallah Fooladi¹

Qolam Reza Ma'arefi²

Received: 15/02/2021

Accepted: 07/09/2021

Abstract

Social control is one of the most important tools for preventing, reducing, and combating social crimes and deviations, but also one of the most effective levers, along with the proper use of the socialization process, for the realization and continuity of the ideal society. Thinkers of social sciences have provided valuable insights and solutions by explaining the concept of social control and how it works in society. In the meantime, the divine religions, especially the school of Islam, have explicit and clear teachings about control and its examples. Nahj al-Balaghah, after the Holy Quran, is one of the most valuable scientific and cultural heritage of Shiism, which has clear propositions in this regard. The present study seeks to explain and introduce the theoretical foundations and examples of social control from the perspective of Imam Ali in *Nahj al-Balaghah*. The propositions of this book present a value system, a system of

1. Assistant Professor, Department of Sociology, Research Institute for University and Hawzah, Qom, Iran (Corresponding Author). hfooladi@rihu.ac.ir.

2. Assistant Professor Shahed University, Tehran, Iran. marefi.shahed@gmail.com.

* Fouladi, H., & Maarefi, Q. R. (1400 AP). Social control in Nahj al-Balaghah: principles and examples. *Journal of Islam and Social Studies*, 9(35), pp. 85-107.

DOI: 10.22081 / jiss.2021.60079.1771.

* Copyright © 2021, Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

comprehensive supervision and control in which the executives and managers of the community and those who are in charge of the treasury, but also the general public, are responsible and accountable. This study has examined this issue in a descriptive-analytical method and based on the analysis of selected data from the text of the book. The findings of the study indicate the attention of God and His agents, as well as the need to use forces and adopt mechanisms to monitor the performance of executives and those who have access to the treasury or are in contact with the people.

Keywords

Socialization, supervision, social control, executives, Nahj al-Balaghah.



نظارت اجتماعی در نهج البلاغه: مبانی، مصادیق

غلامرضا معارفی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۶

حفیظالله فولادی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۷

چکیده

نظارت اجتماعی یکی از مهم‌ترین ابزارهای پیشگیری، کاهش و مقابله با جرایم و انحرافات اجتماعی و بلکه یکی از کارآمدترین اهرم‌ها در کنار کاربست درست فرایند جامعه‌پذیری، برای تحقق و تداوم جامعه مطلوب است. اندیشمندان علوم اجتماعی با تبیین مفهوم نظارت اجتماعی و چگونگی عملکرد آن در جامعه، دیدگاه‌ها و راه کارهای ارزشمندی را ارائه کرده‌اند. در این میان، ادیان الهی به‌ویژه مکتب اسلام آموزه‌های صریح و روشنی را در خصوص نظارت و مصادیق آن دارد. نهج البلاغه پس از قرآن کریم، یکی از ارزشمندترین میراث علمی و فرهنگی تشیع است که دارای گزاره‌های روشنی در این زمینه است. تحقیق حاضر به دنبال تبیین چیستی و معرفی مبانی نظری و مصادیق نظارت اجتماعی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) در کتاب نهج البلاغه است. گزاره‌های این کتاب، نظام ارزشی، سیستم نظارت و کنترل فراگیر و جامعی را مطرح می‌کند که در آن، کارگزاران و مدیران جامعه و کسانی که عهده‌دار بیت‌المال‌اند و بلکه عموم افراد جامعه، مسئول و پاسخگو هستند. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و بر مبنای تجزیه و تحلیل داده‌های انتخاب‌شده از متن کتاب، این مهم را بررسی کرده است. یافته‌های تحقیق حاکی از توجه به نظارت خداوند و مأموران او از سوی، و ضرورت به کارگیری نیروها و در پیش گرفتن سازوکارهایی برای نظارت بر عملکرد کارگزاران و کسانی است که بر بیت‌المال دسترسی دارند و یا در ارتباط با مردم قرار می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها

جامعه‌پذیری، نظارت، نظارت اجتماعی، کارگزاران، نهج البلاغه.

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران (نویسنده مسئول). hfooladi@rihu.ac.ir

۲. استادیار دانشگاه شاهد، تهران، ایران. marefi.shahed@gmail.com

* فولادی، حفیظالله؛ معارفی، غلامرضا. (۱۴۰۰). نظارت اجتماعی در نهج البلاغه: مبانی و مصادیق. فصلنامه علمی

DOI: 10.22081/jiss.2021.60079.1771

- پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، ۹(۳۵)، صص ۸۵-۱۰۷.

مقدمه

نظارت اجتماعی، از مقوله‌های بسیار مهم در زندگی جمعی است که می‌توان با به‌کارگیری آن تا حدودی از وقوع انحرافات و کجروی‌های اجتماعی کاست؛ زیرا نظارت اجتماعی در تکمیل فرایند جامعه‌پذیری تلقی شده و یکی از مهمترین نیازهای هر جامعه برای حفظ و تداوم دستاوردهای آن است. خاستگاه این اهمیت را در ضرورت نیازمندی انسان به حمایت و مراقبت توسط دیگران از همان ابتدای زندگی می‌توان دانست. سطح و نحوه نیازمندی و نوع زیست‌جمعی انسان‌ها، بشر را به تدوین قواعدی برای نحوه تعامل با یکدیگر و انتظام‌بخشی به تعامل‌ها، بر اساس ارزش‌ها، هنجارهای فرهنگی، آداب و رسوم اجتماعی، قوانین و نیز اقتضائات چگونگی رفع نیازها واداشته است. با این وصف، در هر جامعه‌ای، افرادی وجود دارند که به دلایل مختلف، از موازین و قوانین اجتماعی سرپیچی کرده و آنها را نادیده می‌گیرند. از نظر اندیشمندان علوم اجتماعی، یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که برای پیشگیری و کنترل زمینه‌های سرپیچی، نقش مهمی ایفا می‌کند، نظارت اجتماعی است. نظارت اجتماعی در برقراری و استمرار نظم عمومی و پایبندی و احترام آحاد جامعه به هنجارهایی که در فرایند جامعه‌پذیری فراگرفته شده و نیز انجام درست وظایف و نقش‌های محوله و در نتیجه برآورده شدن انتظارات افراد از همدیگر، بسیار مؤثر است. امروزه تحقق این مهم در همه جوامع، توسط افراد و گروه‌ها در سازمان‌های رسمی و غیررسمی، علاوه بر بهره‌گیری از عوامل اجتماعی شدن همانند: خانواده، نظام آموزشی، رسانه‌ها و ...، به کمک انواع ابزارهای الکترونیکی و مانند آن به شیوه‌های گوناگون دنبال می‌شود.

۱. بیان مسأله

در نهج البلاغه به مسأله نظارت اجتماعی در زمینه گستره نظارت، شیوه‌های نظارت و انواع ناظران و ویژگی‌های آنان و نیز دامنه نظارت پرداخته شده است. این تحقیق به دنبال بررسی و تبیین ابعاد و چگونگی نظارت از دیدگاه امیرمؤمنان علی علیه السلام با توجه به مبانی اندیشه اسلامی است. پرسش‌های تحقیق عبارتند از: ابعاد نظارت از دیدگاه حضرت

چگونه بیان شده است؟ اعمال نظارت اجتماعی چگونه بوده و ناظران دارای چه ویژگی‌هایی باید باشند؟ و اینکه دامنه نظارت مشتمل بر چه حوزه‌هایی است؟.

۲. پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه علمی مرتبط با این تحقیق، به دو مقاله علمی - پژوهشی دست یافتیم که در بررسی و تطبیق دقیق محتوای آن‌دو، روشن شد که بیش از ۸۰ درصد مطالب آنها یکسان است؛ به گونه‌ای که حتی جمله‌بندی‌ها نیز تکراری و صرفاً در موارد اندکی در عنوان‌های کلی و عبارت‌ها تغییراتی داده شده و حذف و اضافه اندکی در مطالب دو مقاله دیده می‌شود. نکته دیگر اینکه، هر دو مقاله مربوط به یک بازه زمانی تا حدودی مشابه، یعنی بهار ۱۳۹۷ در یک نشریه و بهار و تابستان همان سال، در نشریه دیگر چاپ شده‌اند. یکی با عنوان «شیوه‌های کارآمد نظارت اجتماعی و زمینه‌های آن در نهج البلاغه» در شماره ۳۴ فصلنامه علمی - پژوهشی معرفت فرهنگی اجتماعی؛ و دیگری با عنوان «شیوه‌های کارآمد نظارت اجتماعی در نهج البلاغه» در شماره ۱۹ دوفصلنامه علمی پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی. نویسندگان هر دو مقاله نیز محمود کریمی و مهناز آل علی است. با قطع نظر از این اتفاق، در هر دو مقاله پاسخ به این پرسش یکسان مطرح بوده که «امیرالمؤمنین علی علیه السلام چه شیوه‌هایی از نظارت اجتماعی را به‌طور غیرمستقیم برای مخاطبان خود به کار گرفته و چگونه این شیوه‌ها در نهج البلاغه منعکس شده است؟» ما در اینجا در مقام ارزیابی آن دو مقاله از حیث محتوایی نیستیم؛ ولی آنچه در پاسخ به پرسش تحقیق بیان شده، تمرکز بر روش‌های غیرمستقیم در نظارت اجتماعی همانند: امر و نهی در قالب ترغیب یا توییح، امر و نهی در قالب هشدار، دعا، نفرین، اظهار شگفتی، طرح سؤال و مانند آن است.

هم‌چنین رساله‌ای دکتری با عنوان «حریم خصوصی و نظارت اجتماعی از منظر قرآن و نهج البلاغه» در سال ۱۳۹۳ با راهنمایی علی نصیری توسط محمداستحاق مسعودی در دانشگاه معارف اسلامی در گروه معارف اسلامی دفاع شده است. نویسنده در این رساله با رویکردی فقهی - حقوقی، سعی کرده محدوده «حریم خصوصی» و

«نظارت اجتماعی» را در موارد تزاخم میان آنها روشن سازد و برای این کار ملاک‌هایی همانند: وجود ضرر یا اضرار، عسر و حرج، امنیت ملی و عمومی، و مانند آن را مورد توجه قرار داده است. رساله مزبور در سال ۱۳۹۶ با حفظ عنوان، توسط انتشارات نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، به صورت کتاب چاپ شده است.

تحقیق حاضر درصدد است با رویکردی معطوف به حوزه مباحث آسیب‌شناسی اجتماعی، علاوه بر اشاره به مبانی و خاستگاه نظارت اجتماعی، مصداق‌های نظارت را در ابعاد مختلفی تبیین کند. در این رویکرد، تلاش بر این بوده تا با عطف توجه به اقتضائات نظارت اجتماعی به‌عنوان اهرمی مؤثر در کنترل اجتماعی، مکانیسم‌های نظارت، ویژگی‌های ناظران، انواع شیوه‌ها و نیز دامنه و گستره نظارت را بر اساس نهج‌البلاغه توضیح دهد.

۳. اهمیت موضوع و ضرورت پژوهش

اگر گفته شود؛ شرط بقا و استمرار هر جامعه‌ای، متوقف بر حاکمیت نظمی است که بخش مهمی از تحقق آن نیز مرهون به‌کارگیری نظارت اجتماعی است، سخن دقیقی است؛ زیرا این نظارت است که فرایند جامعه‌پذیری افراد جامعه را در سطوح مختلف برای ارائه رفتارهای پذیرفتنی و مطابق با انتظارات اجتماعی تکمیل کرده و در نتیجه، تحقق نظم و انتظام اجتماعی را با انجام درست وظایف محوله میسر می‌سازد. بنابراین می‌توان ادعان داشت که فقدان نظارت اجتماعی و یا ساده‌انگاری در ضرورت بهره‌گیری از عوامل مؤثر در این زمینه، بسترساز شکل‌گیری انواع مفاسد در ابعاد گوناگون آن در حوزه‌های اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که می‌تواند کیان هر جامعه و نظام اجتماعی را به مخاطره افکنده و حتی آن را دچار اضمحلال و فروپاشی کند. بر این اساس، برنامه‌ریزی و تلاش برای درونی کردن و ملکه ذهنی ساختن رعایت هنجارهای فرهنگی و اجتماعی در جامعه، به‌نوعی کشاندن فرایند اعمال نظارت‌های اجتماعی به درون انسان‌هاست تا از این طریق، به کاربست نیروهای بیرونی کمتر نیازی باشد. در واقع، اهمیت این شیوه از درونی کردن

ضرورت رعایت هنجارها که با تعبیر «خودکنترلی» نیز از آن یاد شده و بهترین شیوه نیز به حساب می‌آید، در پدیداری حالتی در درون فرد است که او را به انجام وظایفش متمایل می‌سازد، بدون آنکه عامل خارجی او را در کنترل داشته باشد (الوانی، ۱۳۸۹، صص ۱۳۸-۱۳۹).

۴. مفهوم نظارت و ناظر

نظارت، به معنای نگرستن در چیزی با تأمل، حکومت کردن بین مردم، و نیز به معنای وارسی و تفتیش کردن تعریف شده و ناظر نیز به معنای نظرکننده، شاهد و دیده‌بان آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۳، ص ۱۹۹۴۶، ذیل واژه «نظارت»). همچنین زیرکی و فراست، نظر کردن و نگرستن و مراقبت در اجرای امور از جمله معانی «نظارت» ذکر شده است (معین، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۴۷۴۶، ذیل واژه «نظارت»). معادل انگلیسی نظارت «Control» نیز به معنای مراقبت کردن است. اما در اصطلاح علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، تعریف‌های مختلفی برای آن ارائه شده است؛ به عنوان مثال، برخی نظارت را «فرایند تحت نظر قراردادن فعالیت‌ها، به منظور حصول اطمینان از اینکه آنها همان‌گونه که برنامه‌ریزی شده‌اند، انجام می‌شوند و اصلاح انحرافات قابل ملاحظه و مهم» تعریف کرده‌اند (پروز، ۱۳۸۳، ص ۳۱۴). برخی دیگر، نظارت اجتماعی را به فرایندی که از طریق آن، نحوه همسازی با هنجارها و الگوهای رفتاری قابل استنتاج است، تعریف می‌کنند (محسنی، ۱۳۸۳، ص ۳۲۶). لذا، یکی از اصلی‌ترین عامل‌ها برای کاربست نظارت اجتماعی، خود فرد است که بر پایه مسؤلیت‌هایی که دارد و انتظاراتی که دیگران از وی دارند، بر اعمال خود نظارت می‌کند تا بتواند در ایفای نقش‌هایش برآورنده انتظارات دیگران باشد. بعضی دیگر، نظارت اجتماعی را مجموعه‌ای از منابع مادی و نمادین می‌دانند که یک جامعه برای تضمین هم‌نوازی رفتاری اعضای خویش در برابر کجروی، از طریق مجموعه‌ای از قواعد و اصول معین و دارای ضمانت اجرا در اختیار دارد. بر اساس تعریفی که بروس کوئن از نظارت اجتماعی ارائه کرده، آن را به عنوان «بسط فراگرد اجتماعی شدن» دانسته که اگر درست به کار بسته شود، نتیجه آن به گونه‌ای می‌شود که رفتاری که از فرد در تعامل‌های

اجتماعی مشاهده می‌گردد، منطبق با انتظاراتی خواهد بود که در جامعه از وی انتظار می‌رود (کوئن، ۱۳۷۲، ص ۱۴۵). آنچه در این مقاله از نظارت، مدنظر است ترکیبی از معنای لغوی و اصطلاحی آن بوده که به معنای ضرورت آگاهی انسان بر اینکه رفتارها و کنش‌های وی از یک سو، تحت نظر و نظارت خداوند و مأموران اوست و از سوی دیگر، لازم است با به کارگیری سازوکارهایی بیرونی در چارچوب تعالیم دینی، بر کنش‌هایی که در ارتباط با جامعه قرار می‌گیرد، نظارت و کنترل کرد. در مجموع نظارت اجتماعی را می‌توان رویکردی برای فراخواندن و حتی واداشتن افراد به هم‌نوایی و رعایت هنجارهای جمعی و پذیرفته شده اجتماعی دانست؛ زیرا این هم‌نوایی و لزوم رعایت هنجارهاست که موجب اطمینان از تحقق وعده‌ها و انتظارات از یکدیگر می‌شود و با فقدان چنین وضعیتی هرج و مرج و به هم ریختگی اجتماعی در جامعه امری عادی خواهد بود. از این رو، فقدان نظارت توسط ناظرانی در هر جامعه، زمینه‌ای برای فروپاشی نظام اجتماعی است.

۵. مبانی و گستره نظارت در نهج البلاغه

از اصول اولیه در آموزه‌های اسلامی، باورداشت این نکته است که عالم هستی مخلوق خداوند است و همو بر تمام امور سیطره و آگاهی تام دارد و چیزی از دید او پنهان نیست و حتی بر افکار و نیت‌های آدمیان نیز احاطه دارد. هم‌چنین بر اساس اندیشه اسلامی، انسان در مقابل همه کارهایش مسؤول بوده و باید پاسخگوی کارهای خود باشد.

با توجه به این مبانی و گستره، انسان معتقد، از طرفی بسیار از خود و رفتارهایش مواظبت می‌کند تا مبادا مرتکب خطایی شود و از طرفی دیگر مراقبت می‌کند حیانا کاری نکند که موجب گرفتاری او شده و بازخواست شود. بنابراین، گزاره‌های ناظر بر مقوله نظارت که از کلمات حضرت امیر علیه السلام استخراج شده‌اند، نشان می‌دهد که بحث از نظارت و مراقبت از کنش‌های اختیاری انسان، مقوله‌ای فراتر از جنبه بیرونی و ظاهری آن در تعامل‌های اجتماعی، مدنظر حضرت امیر علیه السلام است؛ به این معنا که تمامی آحاد

جامعه به خصوص کارگزاران و کسانی که در جامعه دارای مسئولیت هستند، توجه داشته باشند که علاوه بر ضرورت وجود نیروهایی برای نظارت بر کارها و حسن انجام وظایف، خداوند نیز بر تمام اعمال آنها از کوچک و بزرگ احاطه و نظارت کامل دارد. در این زمینه، حضرت می‌فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِعَيْنِهِ وَ تَوَاصِيكُمْ بِيَدِهِ وَ تَقَلُّبُكُمْ فِي قَبْضَتِهِ إِنَّ أَسْرَرْتُمْ عِلْمَهُ وَ إِنْ أَعْلَنْتُمْ كَتَبَهُ»؛ بترسید از خدایی که در پیشگاه او حاضرید، و اختیار شما در دست اوست و همه حالات و حرکات شما را زیر نظر دارد؛ اگر چیزی را پنهان کنید، می‌داند، و اگر آشکار کردید، ثبت می‌کند (خطبه، ۱۸۳) و یا در تعبیر دیگری می‌فرماید: «... إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَسْأَلُكُمْ مَعَشَرَ عِبَادِهِ عَنِ الصَّغِيرَةِ مِنْ أَعْمَالِكُمْ وَ الْكَبِيرَةِ وَ الظَّاهِرَةِ وَ الْمُسْتَوْرَةِ»؛ ... همانا خداوند از شما بندگان درباره اعمال کوچک و بزرگ، آشکار و پنهان خواهد پرسید (نامه، ۲۷) و البته از این گونه گزاره‌ها در بیان حضرت امیر علیه السلام فراوان وجود دارد. همچنین طبق مبانی اسلامی و باورداشت‌های اعتقادی در مکتب اسلام، مأمورانی دقیق و منضبط از فرشتگان الهی: «قَدْ وَكَّلَ بِدَلَيْكَ حَفْظَةً كَرَامًا لَا يَشْقِطُونَ حَقًّا وَ لَا يَنْثُونَ بَاطِلًا»؛ خداوند برای ثبت اعمال، فرشتگان بزرگواری را گمارده که نه حقی را فراموش و نه باطلی را ثبت می‌کنند (خطبه، ۱۸۳) و حتی زمین و زمان و اعضا و جوارح آدمیان، بر تمام حالات و افکار و اعمال فردی و اجتماعی، آشکار و پنهان، ریز و درشت انسان‌ها شاهد و گواه بوده: «اعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ عَلَيْكُمْ رِصْدًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ وَ عِيُونًا مِنْ جَوَارِحِكُمْ وَ حِفْظًا صِدْقٍ يَحْفَظُونَ أَعْمَالَكُمْ وَ عَدَدَ أَنْفُسِكُمْ لَا تَسْتُرُكُمْ مِنْهُمْ ظُلْمَةُ لَيْلٍ دَاجٍ وَ لَا يَكْتُمُكُمْ مِنْهُمْ بَابٌ ذُو رِجَاحٍ»؛ ای بندگان خدا! بدانید که از شما نگاه‌بانانی بر شما گماشته‌اند و دیدبان‌هایی از پیکرتان برگزیده و حافظان راستگویی که اعمال شما را حفظ می‌کنند و شماره نفس‌های شما را می‌شمارند؛ نه تاریکی شب، شما را از آنان می‌پوشاند و نه دری محکم، شما را از آنها پنهان می‌سازد و با ثبت و ضبط دقیق آنها، در محضر خداوند گواهی می‌دهند (خطبه، ۱۵۷). و نیز: «اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ»؛ از نافرمانی خدا در خلوت‌ها پرهیزید؛ زیرا همان که گواه است، داوری کند (حکمت، ۳۲۴). جالب این است که امیرمؤمنان علیه السلام، در عین باورداشت و گوشزد کردن این مطالب، با توجه به شناختی که

از انسان‌ها و تفاوت آنها در مراتب ایمان دارد، در آنجا که پای حقوق مردم در میان است و کسانی به‌عنوان زمامدار و کارگزار در جامعه عهده‌دار مسئولیتی می‌شوند، بر آنان مأموران و ناظرانی جهت مراقبت از عملکردشان و گزارش به محضر امام، می‌گمارد تا احیانا اگر مرتکب خلافی شدند با توبیخ، بازخواست و برخورد بدون اغماض امام مواجه شوند.

۶. سازوکارهای نظارت اجتماعی

با توجه به اهمیت نظارت اجتماعی، مکانیسم‌ها و سازوکارهای متعددی برای تحقق آن در هر جامعه‌ای به کار گرفته می‌شود. بیشتر نظام‌های اجتماعی، فرایند اجتماعی‌شدن را با نقش‌آفرینی عواملی همانند: خانواده، نهادهای آموزشی، تمرکز بر بزرگداشت و پیروی از ارزش‌ها و باورداشت‌های اعتقادی و دینی و سایر عوامل دست‌اندرکار، درصدد آموزش هنجارها بوده و تلاش می‌کنند تا با رعایت آنها انتظام اجتماعی و انجام وظایف افراد، به منصفه ظهور برسند. واقعیت این است که اکثریت افراد جامعه در جهت همراهی با آموخته‌ها و انتظارات عمل می‌کنند؛ به‌طوری که این همراهی عمومی با درونی‌سازی و ملکه ذهنی شدن تبعیت از هنجارها و الگوهای پذیرفته‌شده رخ می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که گویا به‌مرور افراد، به‌طور ناخوابسته به هنجارها عمل می‌کنند. ناگفته نماند که در این فرایند، سازوکارهای غیررسمی نظارت، همانند اظهار رضایت و یا ابراز نارضایتی از رفتارهای شایسته و ناشایسته، اخم و طرد و تمسخر توسط دوستان و مانند آن و یا تشویق و تأییدها، در کنار تلاش‌های نهادهای رسمی نیز، در ملکه ذهنی‌شدن هنجارها مؤثر واقع می‌شوند. نکته اینجاست که هر یک از این سازوکارهای رسمی و غیررسمی در عمل، ممکن است با نقصان و یا سوء کارکرد و یا ناتوانی و یا توسط عوامل دیگری، برخلاف انتظار ظاهر شوند؛ ولی آنچه از گزاره‌های گردآوری‌شده از منابع دینی و به‌خصوص نهج‌البلاغه در این زمینه به‌دست می‌آید، توجه به جایگاه و اقتضائات عناصر کارکردی سازوکارهای ناظر بر اعمال انسان‌هاست که اطمینان‌بخشی خاص خود را به‌دنبال می‌آورد. روشن است که دست‌یابی به شناخت و معرفت حضور

انسان در محضر خداوند و ضرورت خودکنترلی وی از هر آنچه مورد نهی خداوند در دوری از قرقگاه‌های^۱ اوست، از مهم‌ترین مؤلفه‌های دینداری فرد و بالطبع افراد جامعه، به‌شمار می‌آید. بر این اساس می‌توان گفت؛ انسان مدعی ایمان، به هر اندازه عملش منطبق بر اقتضانات باور بر نظارت خداوند و حضور در محضر او باشد، به همان اندازه نیز در ادعایش صادق خواهد بود و به هر مقدار در عمل برخلاف چنین درکی ظاهر شود، به همان میزان، شاخص ایمان وی مخدوش بوده و ادعایی بیش نکرده است.

۷. تلاش برای انتخاب کارگزارانی شایسته

شاید بتوان اهمیت و اولویت خدمت صادقانه به بندگان خداوند را همراه با دغدغه اینکه فرد مدعی خدمت، خطاکاری و یا خیانتی را مرتکب نشود، در این کلام حضرت علی علیه السلام مشاهده کرد که خطاب به مالک‌اشتر در انتخاب کارگزاران دولتی می‌فرماید: آنان را از میان مردمی با ویژگی‌های زیر انتخاب کن؛ «و تَوَخَّ مِنْهُمْ (عَمَّال) أَهْلَ التَّجْرِبَةِ وَ الْحَيَاءِ مِنْ أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَ الْقَدَمِ فِي الْإِسْلَامِ الْمُتَقَدِّمَةِ» (نامه، ۵۳)؛ یعنی: الف: افرادی باتجربه باشند؛ ب: افراد باحیا انتخاب شوند؛ ج: استخدام آنان پس از آزمودن ایشان باشد؛ د: از خاندان پاکیزه و باتقوا انتخاب شوند؛ ت: استخدام آنان بر مبنای مشورت و شایسته‌سالاری باشد؛ و افرادی دارای سابقه روشن در مسلمانی برگزیده شوند. حضرت دلیل لحاظ این معیارها برای گزینش افراد را این چنین بیان می‌کند: «... فَإِنَّهُمْ أَكْرَمُ أَخْلَاقًا وَ أَصْحُ أَعْرَاضًا وَ أَقَلُّ فِي الْمَطَامِعِ إِشْرَاقًا وَ أَبْلَغُ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ نَظْرًا» (نامه، ۵۳)؛ ... زیرا اخلاق آنان گرامی‌تر، و آبروی‌شان محفوظ‌تر (خانواده‌شان پاک‌تر)، و طمع‌ورزی‌شان کمتر و آینده‌نگری آنان بیشتر است. در واقع، چنین ویژگی‌هایی در افراد انتخاب‌شده، زمینه‌ای می‌شود تا آنان نسبت به دستبرد در بیت‌المال، خویش‌تنداری بیشتری داشته باشند و نیز از ویژگی آینده‌نگری بهتر و بیشتری در انجام تعهدات خود برخوردار باشند؛ در نتیجه، انتظار می‌رود، چنین افرادی در

۱. مراد از قرقگاه یعنی پرهیز از ورود در جاهایی که مورد نهی قرار گرفته است.

امانت‌های مردم خیانت نکنند. جالب این است که با همه این دقت‌ها در انتخاب کارگزاران، باز حضرت امیر علیه السلام از به کارگیری نیروهایی با ویژگی‌های ممتاز و خاص برای نظارت سازمان‌یافته و دقیق بر رفتار کارگزاران در حکومت خود، دریغ نمی‌ورزد و بر عملکرد آنان با استفاده از شیوه‌های مختلف نظارت می‌کند. به نظر می‌رسد برآیند این دو رویکرد مهم؛ یعنی: هم دقت در گزینش کارگزاران و هم نظارت بر آنان توسط ناظرانی خاص، زمینه مناسبی می‌شود تا کارگزاران حکومت پاکیزه‌تر عمل کرده و درصدد خیانت به حقوق و اموال مردم برنیایند و در عین حال خدمات‌رسانی به مردم را به حداکثر برسانند.

۸. ویژگی‌های مأموران ناظر

حضرت امیر علیه السلام دو ویژگی بسیار مهم را برای انتخاب بازرسان گوشزد می‌کند و می‌فرماید: «وَ اِنْعَثِ الْعُيُونَ مِنْ اَهْلِ الصَّدَقِ وَ الْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ»؛ و جاسوسانی راستگو و وفادار بر آنان بگمار (نامه، ۵۳). واژه «صداقت» از «صدق» در اصل به این معنا است که گفتار و یا خبری که داده می‌شود، مطابق با خارج باشد و کسی را که خبرش مطابق با واقع و خارج باشد، «صادق» و «راستگو» می‌گویند و نیز به کسی که عملش مطابق با اعتقادش باشد و یا کاری که می‌کند با اراده و تصمیمش مطابق باشد، صادق و راستگو نامیده‌اند. با این وصف، راستگویی را می‌توان یکی از بارزترین مشخصه‌های اوج دینداری در دعوت مردمان به سوی دین حق و پیروی از خدا دانست که در آموزه‌های دینی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و در قرآن و روایات نیز فراوان به آن سفارش شده است. بنابراین، راستگویی از اعمال پسندیده انسانی بوده که نزد دینداران و خردمندان جایگاه ویژه‌ای دارد؛ بلکه می‌توان گفت کسی که دل و زبانش یکسان است و درصدد پوشاندن حق و یا کتمان باطلی نیست، نشان از پاکی فطرت اوست که جز واقعیت را نمی‌تواند ارائه دهد. یکی از الزامات صداقت و راستی در گفتار و کردار این است که چنین فردی به آنچه می‌گوید، عمل می‌کند و به عهد و پیمانی که می‌بندد، وفادار می‌ماند. در اینجا چه چیزی بالاتر از اینکه اگر افرادی در نظام اسلامی به عنوان

بازرس، در امر نظارت بر کارهای مدیران به کار گرفته می‌شوند، وقتی مدعی ایمان به خدا هستند، با اتصاف به صفت راستگویی، نخواهند توانست برخلاف چنین باور و اعتقادی عمل کنند و به آنچه گفته‌اند، هرگز نمی‌توانند بی‌وفایی کرده و خیانت‌ورزی پیشه کنند. کلام قرآن کریم در این باره گویاست که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و با راستگویان باشید» (توبه، ۱۱۹)؛ و در موارد متعددی در قرآن، چه در مقام محاجه و استدلال با منکران و مدعیان و چه از زبان منکران، با جمله: «اگر راست می‌گویی»، طرفین مورد خطاب قرار می‌گیرند و این نشان از اهمیت و جایگاه صداقت و راستگویی در نزد همگان دارد (ر. ک: سوره‌های اعراف، ۷۰ و ۱۰۶؛ هود، ۳۲؛ حجر، ۷؛ شعراء، ۳۱، ۱۵۴ و ۱۸۷؛ عنکبوت، ۲۹ و احزاب، ۲۲). در روایات نیز راستگویی از جایگاه بسیار بالایی برخوردار بوده و در اهمیت جایگاه شخص راستگو به این کلام از امام علی علیه السلام بسنده می‌کنیم که فرمود: «الصَّادِقُ عَلَى شَفَا مَنَاجَاةٍ وَ كِرَامَةٍ، وَ الْكَاذِبُ عَلَى شَرَفٍ مَهْوَاةٍ وَ مَهَانَةٍ»؛ راستگو بر کنگره‌های رستگاری و بزرگواری است، و دروغگو در پرتگاه سقوط و خواری است (خطبه، ۸۶) و درباره وفای به عهد و پیمان نیز حضرت می‌فرماید: «إِنَّ الْوَفَاءَ تَوْأَمُ الصَّادِقِ، وَ لَا أَعْلَمُ جُنَّةً أَوْفَى مِنْهُ، وَ مَا يَغْدِرُ مَنْ عَلِمَ كَيْفَ الْمَرْجِعِ»؛ وفای به عهد، همزاد راستی است و من سپری بازدارنده‌تر از آن نمی‌شناسم؛ کسی که بداند بازگشت به سرای آخرت چگونه است نیرنگ نمی‌کند (خطبه، ۴۱).

۹. انواع شیوه‌های نظارت

برای نظارت‌های اجتماعی شیوه‌های گوناگونی وجود دارد که در اینجا از نوع نظارت یاد می‌شود: نظارت غیررسمی و نظارت رسمی. نظارت غیررسمی، به شیوه‌هایی همانند: پند و اندرز، نصیحت و راهنمایی، حمایت و تشویق، احم کردن، تهدید و تشرزدن، تمسخر و ریشخند، طردنمودن و به جمع خود راه‌اندادن و مانند آن انجام می‌گیرد که عمدتاً از سوی اعضای خانواده، دوستان، آشنایان و همکاران شخص ناقص هنجار، اعمال می‌شود. این شیوه‌ها عموماً به این دلیل کارآمد و اثربخش‌اند که هر

فردی علاقمند است مورد تأیید و پذیرش گروه‌هایی که با آنها در ارتباط است، قرار بگیرد و چنانچه احساس کند در اثر نقض هنجاری، مورد اعتراض اعضای گروه قرار می‌گیرد، تلاش می‌کند به اصلاح رفتار خود پرداخته تا مقبولیت یافته و بتواند در جمع قرار بگیرد.

نظارت‌های رسمی هم شامل آن دسته از نظارت‌هایی است که با شیوه‌های گوناگونی توسط نهادها و سازمان‌های رسمی محقق می‌شود. این نظارت‌ها را نهادها و سازمان‌هایی همانند: سازمان بازرسی، نیروهای اطلاعاتی و امنیتی، مراکز قضایی و انتظامی و مانند آن بر عهده دارند. در ادامه به نمونه‌هایی از شیوه‌های نظارت رسمی که از کلام حضرت امیر علیه السلام در نهج البلاغه، قابل استنباط است، اشاره می‌شود.

۹-۱. مراقبت پنهانی

از دستورهای حضرت امیر علیه السلام به زمامدار نظام اسلامی برای مراقبت از فعالیت‌های کارگزار حکومت این است: «إِنَّ تَعَاهِدَكَ فِي السِّرِّ لِأُمُورِهِمْ (عَمَّال) حُدُوءٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَالرَّفْقِ بِالرَّعِيَةِ»؛ مراقبت پنهانی تو از کارهای آنان سبب امانتداری و مدارای ایشان با مردم است (نامه، ۵۳).

۹-۲. دریافت گزارش به هر طریق

در واقع دغدغه‌مندی امیرمؤمنان علیه السلام نسبت به فعالیت‌های کارگزاران منسوب به حکومت و نیز ضرورت خدمت آنان به مردم را در عین اصالت بخشی به اهمیت رضایت مردم از نحوه تلاش کارگزاران شاید بتوان در این کلام حضرت یافت که خطاب به کارگزارش می‌فرماید: «لَيْسَ بَلْغَنِي أَنْكَ حُنْتُ مِنْ فَيءِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئاً صَغِيراً أَوْ كَبِيراً لِأَشَدَّنَّ عَلَيْكَ شِدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلَ الْوَفْرِ تَقِيلَ الظَّهْرَ ضَيْلَ الْأَمْرِ»؛ اگر به من خبر رسد که در غنایم مسلمانان به اندک و یا بسیار، خیانت کرده‌ای، چنان بر تو سخت گیرم که تهیدست شوی و هزینه‌ی زندگی بر دوش سنگینی کند و حقیر و خوار گردی (نامه، ۲۰).

این بیان حاکی از این است که کارگزار باید آن‌چنان در کارش دقیق بوده و وسواس به خرج دهد که بدانند در صورت ارائه گزارش سوء از سوی وی، از ناحیه هر کسی که باشد، او را مستحق شدیدترین برخوردها، خواهد ساخت.

۳-۹. درخواست از کارگزار جهت ارسال صورتحساب

مطالبه امام علیه السلام از کارگزار خود برای ارسال صورتحساب اقدامات مالی، از شیوه‌هایی است که حکایت از رها نبودن کارگزار بر حال خود و بلکه مراقبت و نظارت بر عملکرد او دارد. حضرت خطاب به کارگزارش می‌نویسد: «فَارْفَعْ إِلَيَّ حِسَابَكَ، وَ اغْلَمْ أَنَّ حِسَابَ اللَّهِ أَغْظَمُ مِنْ حِسَابِ النَّاسِ»؛ حسابت را نزد من فرست، و بدان که حساب کشیدن خدا از حساب کشیدن مردم سخت‌تر است (نامه، ۴۰).

۴-۹. احضار کارگزار

احضار کارگزار به نزد خویش و بازخواست از عملکردش، فی‌نفسه نشان از نظارت مستقیم و بلاواسطه امام علیه السلام از کارگزاران دارد. امام می‌فرماید: «فَإِذَا قَدِمَ رَسُولِي عَلَيْكَ فَارْفَعْ ذَيْلَكَ، وَ اشْدُدْ مِئْرَكَ، وَ اخْرِجْ مِنْ جُحْرِكَ، وَ انْذُبْ مَنْ مَعَكَ؛ فَإِنْ حَقَّقْتَ فَأَنْتُمْ، وَ إِنْ تَفَشَّلْتَ فَأَنْتُمْ»؛ وقتی فرستاده من نزد تو آمد، دامن به میان بزن و کمر بندت را محکم ببند، از سوراخت بیرون بیا، و هر کس را که با تو هست، فراخوان. اگر دیدی که باید فرمان مرا اطاعت کنی، به‌سوی من روانه شو، و اگر مردد گشتی، از مقام خود کناره گیر (نامه، ۶۳). و یا می‌فرماید: «فَأَقْبِلْ إِلَيَّ حِينَ يَصِلُ إِلَيْكَ كِتَابِي هَذَا»؛ هنگامی که نامه‌ام به دست می‌رسد، به نزد من آی (نامه، ۷۱).

۵-۹. استفاده از مأموران مخفی

از دید امام علیه السلام اِعمال نظارت به هر شیوه‌ای اعم از نظارت مستقیم و بلاواسطه و یا نظارت غیرمستقیم مطلوب است. یکی از شیوه‌هایی که در نهج‌البلاغه نمود ویژه‌ای دارد، استفاده از مأموران مخفی است که در مرامنامه حکومتی حضرت به آن تصریح

شده و می‌فرماید: «... و ابعث العیون من اهل الصدق و الوفاء علیهم»؛ ... و جاسوسانی راستگو و وفاپیشه بر آنان بگمار (نامه، ۵۳). همان‌طور که اشاره شد در استناد به کلمات حضرت سعی شده به نمونه‌هایی از گزاره‌ها اکتفا شود و گرنه این موارد از فراوانی خوبی در نهج البلاغه برخوردارند.

با ملاحظه مجموع این شیوه‌ها می‌توان به این جمع‌بندی رسید که از منظر امیرالمؤمنین علیه السلام باید به هر شیوه ممکن، بر کار کارگزاران حکومت نظارت داشت و آنان را به حال خود رها نساخت. نکته حائز اهمیت این است که آن مقداری که حضرت با تعابیر گوناگون و از جهات مختلف بر زیر نظر گرفتن فعالیت متولیان امور مردم و آنانی که در ارتباط با مردمان هستند تأکید دارد، نسبت به خود مردم و عملکرد آنان، با دیده اغماض، گذشت و همراهی عمل می‌کند و بلکه خیلی کاری به مردم عادی ندارد؛ و شاید بتوان گفت امام علیه السلام مردم را در جایگاهی می‌نشانند که همه باید در خدمت به آنان بدون هرگونه چشم‌داشتی، در نهایت صداقت، راستی و درستی در حال تلاش و خدمت‌گزاری باشند.

۱۰. دامنه نظارت

حضرت امیر علیه السلام نظارت‌های اجتماعی را محدود به افراد و یا بخش خاصی نکرده و دامنه وسیعی را پوشش می‌دهد.

۱-۱۰. مراقبت از نزدیکان

امام علیه السلام در مرامنامه حکومتی مشهور و مکتوب خود به مالک‌اشتر، مراقبت از نزدیکان را به زمامدار خود دستور می‌دهد. امروزه این مطلب در نظام‌های سیاسی و حکومتی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و مواظبت بر این مسأله می‌تواند نقطه کانونی برای سلامت آن نظام‌ها قلمداد گردد و گرنه بیشترین خسارت‌ها به اموال عمومی، از ناحیه همان نزدیکان حاکمان رخ می‌دهد که چون مانعی بر سر راه خود نمی‌بینند، به چپاول و غارت اموال عمومی دست زده و خود را در حاشیه امنی احساس

می‌کنند. از این‌رو، حضرت امیر علیه السلام در بیش از هزار و چهارصد سال قبل به صورت جدی و در قالب دستور، یکی از این مسیرهای دست‌اندازی به بیت‌المال را شناسایی کرده و می‌فرماید: «و تَحَفَّظَ مِنَ الْأَعْوَانِ»؛ و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن (نامه، ۵۳).

۱۰-۲. مراقبت از رفتارهای حتی جزئی کارگزاران

در بحث از نظارت بر عملکرد کارگزاران حکومت، توجه به این نکته مهم است که کارگزار حکومت به سبب جایگاهی که کسب کرده و به حکومت انتساب دارد، همه رفتارهای ریز و درشت او در نگاه مردم، به عنوان کارگزار حکومت دیده شده و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و از این جهت وی ناگزیر است بسیار دقیق و سنجیده عمل کند تا برداشت نادرستی از عمل او در ذهن مردم نقش نبندد. از همین منظر است که حضرت، خطاب به یکی از کارگزاران حکومت می‌نویسد: «فَقَدْ بَلَّغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ قَبِيلَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَأْدُبَةٍ فَأَسْرَعْتَ إِلَيْهَا تُسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ وَ تُنْقَلُ إِلَيْكَ الْجِفَانُ»؛ به من گزارش دادند که مردی از سرمایه‌داران بصره، تو را به مهمانی خویش فرا خواند و تو به سرعت به سوی آن شتافتی؛ خوردنی‌های رنگارنگ برای تو آوردند، و کاسه‌های پر از غذا پی‌درپی جلوی تو نهادند (نامه، ۴۵). این قبیل مراقبت، می‌تواند نقش اصلاحی و کنترلی مؤثری در سایر کنش‌های کارگزار داشته باشد و او را به مراقبت بیشتر از رفتارهایش وادارد.

۱۰-۳. نظارت استانداران بر کارگزاران

همان‌گونه که امام علی علیه السلام بخشی از نظارت‌ها را خود به صورت مستقیم انجام می‌داد، از مالک‌اشتر درخواست اعمال نظارت مستقیم وی بر کارگزاران را نیز مطرح کرده است. همانند این دستور که می‌نویسد: «ثُمَّ تَفَقَّدَ أَعْمَالَهُمْ وَ ابْعَثَ الْعِيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَ الْوَفَاءِ»؛ سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفا پیشه بر آنان بگمار (نامه، ۵۳).

در هر نظام اجتماعی بخش مهمی از نیازهای ضروری آن، در گروی فعالیت‌های اقتصادی است که مرهون تلاش‌ها در بخش تولید مواد غذایی و تأمین سایر نیازهای مادی و ضروریات زندگی است. روشن است که اگر در بخش فعالان نهاد اقتصادی، همانند هر نهاد دیگری، فاقد چارچوب مدون و مشخصی بوده و برای ایفای نقش‌های مورد انتظار در آنها، نظارتی نباشد، زمینه سوءاستفاده و تعدی به حقوق دیگران شاید بیش از سایر بخش‌ها خودنمایی کند. به هر حال، تأمین نیازمندی‌های مالی در کنار تأمین سایر نیازها همانند امنیت، بهداشت، خوراک و پوشاک و مانند آن، موجب حفظ و تقویت حسن روابط اجتماعی میان افراد، ارتقای سطح همبستگی اجتماعی، همراهی عمومی با ارزش‌ها و هنجارها شده و در کل استمرار نظم و انتظام اجتماعی را رقم می‌زند. در اهمیت جایگاه فعالیت‌های اقتصادی حضرت، تعبیر گویایی دارد و می‌فرماید: «لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ: سَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ، وَ سَاعَةٌ يُرْمُ مَعَاشَهُ، وَ سَاعَةٌ يُحَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَدَيْهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ»؛ مؤمن را سه ساعت است: ساعتی که در آن با خدا مناجات می‌کند؛ ساعتی که در آن برای هزینه‌ی زندگی می‌کوشد؛ و ساعتی که در آن از لذت‌های حلال و زیبا بهره می‌برد (حکمت، ۳۹۰). در واقع، رسیدگی به وضعیت اقتصادی و کسب درآمد یکی از ابعاد مهم در زندگی آدمی است که در عرض عبادت پروردگار و بهره‌گیری از لذت‌های حلال زندگی قلمداد شده است. چه بسا کسانی وجود دارند که از این تقسیم‌بندی معقول و منطقی پیروی نکرده و افرادی با گوشه‌گیری از جامعه به گمان خود به صرف عبادت مشغول می‌شوند و یا بسیاری افراد، غرق در زندگی مادی و کسب درآمد و انباشت ثروت شده و یا فقط به دنبال خوش‌گذرانی و التذاذ می‌روند که بررسی و ارزیابی این رویکردها هدف این مقاله نیست؛ آنچه در اینجا مطرح نظر است، اینکه فعالیت اقتصادی که جنبه‌ای از آن در تلاش بازرگانان نمود می‌یابد، در عین اینکه از منظر امام علیه السلام، ایشان افرادی هستند که به جهت اینکه سرمایه‌شان در گردش است، اغلب به دنبال منفعت خویش‌اند و بیم خیانت و نیرنگ از سوی آنان نیست، ولی با این همه، حضرت می‌فرماید: «وَ اعْلَمْ - مَعَ ذَلِكَ - أَنَّ

فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحِشًا، وَ شُحًا قَيْحًا، وَ احْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ، وَ تَحَكُّمًا فِي الْبِيعَاتِ، وَ ذَلِكَ بَابٌ مَضْرُوبٌ لِلْعَامَّةِ، وَ عَيْبٌ عَلَى الْوُلَاةِ؛ با وجود این، بدان بسیاری از آنان، مردمی تنگ‌نظر، و سخت بخیل‌اند، احتکار می‌کنند، و به دلخواه خود بر کالای مردم قیمت می‌گذارند، و با این کار به عموم مردم زیان می‌رسانند، و مایه‌ی ننگ و عیب والیان می‌گردند (نامه، ۵۳). و به همین دلیل نیاز است فعالیت آنان را تحت نظارت داشت تا «برای دست‌یابی به سود بیشتر بازار سیاه ایجاد نکنند یا به سراغ احتکار نروند یا با ایجاد واسطه‌ای غیر ضروری، در عمل نرخ کالاها را بالا نبرند یا برای اهداف سیاسی، کشوری را در محاصره اقتصادی و به‌صورت ابزاری برای دست سیاست‌مداران قرار ندهند و...» (ر. ک: مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۱، صص ۵۱-۵۲).

۱۰-۵. نظارت بر مالیات‌گیرندگان

بازرسی و نظارت بر نحوه اخذ مالیات و نیز بیت‌المال از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است؛ زیرا یکی از عوامل اصلاح امور، اقشار جامعه است و از این جهت باید حکومت اسلامی دقت کند که تلاش او برای عمران و آبادانی، بیشتر از تلاش برای اخذ مالیات باشد و اخذ مالیات (خراج) در واقع مبتنی بر آبادانی و رونق داد و ستد و بهبودی وضعیت مالی مردمان قرار گیرد؛ زیرا اگر کسی مالیات را بدون آبادانی، بخواهد به‌دست آورد، شهرها را خراب، مردم را نابود و بلکه عمر حکومت را کوتاه می‌کند. با عمران و آبادانی است که قدرت عمل مردم ارتقا می‌یابد و هر جا که دیده می‌شود با اخذ مالیات، تغییری در اوضاع مردم و عمران جامعه دیده نمی‌شود، معلوم می‌شود که اموال از طرف زمامداران غارت شده و در جای خود که همانا رسیدگی به امور جامعه است، صرف نمی‌گردد. به بیان دیگر، آنجا که زمامدارانی با اخذ مالیات و فشار به مردم، دست به خیانت در بیت‌المال و غارت آن می‌زنند، زمینه‌ساز تشدید نارضایتی و شکاف میان اعتماد مردم و حاکمیت می‌شوند. بر این اساس، ما بین لزوم نظارت بر اخذ مالیات و رعایت حال و وضع مردم، و بقاء حکومت‌ها بر پایه رضایت‌مندی آنان، رابطه متقابل وجود دارد. به همین دلیل، باید با مردم در اخذ مالیات‌ها، کمال همدلی و

همراهی در مشکلات آنان صورت پذیرد و این مهم در گروهی نظارت دقیق و حساب شده حاصل می‌گردد. حضرت امیر علیه السلام در این زمینه پس از توصیه به مأمور اخذ مالیات به خداترسی و اینکه مردم را به هنگام اخذ مالیات نرنجانند و به گفته آنان اعتماد کرده و ایشان را دروغگو نداند و نسبت به اینکه نیازمندان جامعه از مسکینان و ناتوانان و بینوایان در استفاده از این مالیات‌ها شراکت دارند که می‌بایست حقوق آنان به طور کامل پرداخت گردد، می‌فرماید: «وَإِلَّا تَفْعَلْ فَإِنَّكَ مِنْ أَكْثَرِ النَّاسِ خُصُومًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ بُؤْسَى لِمَنْ - حَضَمُهُ عِنْدَ اللَّهِ - الْفُقَرَاءُ وَالْمَسَاكِينُ وَالسَّائِلُونَ وَالْمُدْفُوعُونَ، وَالْغَارِمُونَ وَابْنُ السَّبِيلِ! وَمَنْ اسْتَهَانَ بِالْأَمَانَةِ، وَرَتَعَ فِي الْخِيَانَةِ، وَكَمْ يَنْزَعُ نَفْسَهُ وَدِينَهُ عَنْهَا، فَقَدْ أَحَلَّ بِنَفْسِهِ الدُّلَّ وَالْحِرْزَى فِي الدُّنْيَا، وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَدَلُّ وَأَحْرَى!»؛ اگر چنین نکنی، روز قیامت از کسانی باشی که بیشترین دشمن و مدعی را خواهی داشت. و بدا به حال کسی که فقیران، مسکینان، گدایان، ورشکستگان و از راه‌ماندگان مدعی و دشمن او در درگاه خداوند باشند! آنکه امانت را مهم نشمارد، و در آن خیانت کند، و جان و دین خود را از لوٹ آن پاک نسازد، خود را در دنیا در ذلت و خواری افکنده، و در آخرت ذلیل‌تر و خوارتر خواهد بود (نامه، ۲۶)؛ و در نهایت می‌فرماید: «وَإِنَّ أَعْظَمَ الْخِيَانَةِ خِيَانَةُ الْأُمَّةِ، وَ أَفْظَعَ الْغَيْشِ غَيْشُ الْأَيْمَةِ»؛ همانا بزرگ‌ترین خیانت، خیانت به مردم، و رسواترین دغل‌کاری، دغل‌کاری با پیشوایان است (ر. ک: نامه ۲۶، ۵۱، ۵۳ و ۶۰). آنچه در مراجعه به این نامه‌ها بسیار گویاست، اینکه دستورهای حضرت درباره نحوه اخذ مالیات و چگونگی ارتباط و تعامل مأموران مالیاتی با مردم، صرفاً یک سلسله توصیه‌های اخلاقی نیست، بلکه طبق دستور حضرت با دریافت گزارش خلاف‌کاری کارگزاران نسبت به مردم، امام علیه السلام برخورد شدید با آنان را به اجرا می‌گذارد.

۱۰-۶. نظارت بر امور محرومان جامعه توسط کارگزاران

با تامل در مرامنامه حکومتی حضرت امیر علیه السلام روشن می‌شود که یکی از مهم‌ترین وظایف حکومت، رسیدگی به وضعیت محرومان جامعه است و این جز از راه نظارت و بازرسی مستمر و مستقیم از این گروه از مردم، میسر نمی‌گردد. تصریح به انتخاب

بازرسانی ویژه توسط کارگزاران برای گزارش از وضعیت محرومانی که اصلاً به چشم نمی‌آیند و مردم نیز آنان را کوچک می‌شمارند و توانایی دسترسی به حاکم اسلامی را هم ندارند، حاکی از نقش برجسته نظارت در اصلاح امور و انتفاع گروه‌ها و طبقات مختلف جامعه است که توسعه دامنه نظارت از سوی امام علیه السلام در پوشش وضعیت مردمان محروم، در واقع تلاشی جدی برای محرومیت‌زدایی است. بنابراین، محرومیت‌زدایی جزئی از وظایف اصلی حاکمیت اسلامی است که در نتیجه نظارت درست و دقیق و همه‌جانبه تحقق می‌پذیرد؛ چنانچه حضرت می‌فرماید: «ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ، مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَ أَهْلِ الْبُؤْسَى وَ الرِّمَى، فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعاً وَ مُعْتَرِئاً، وَ أَحْفَظُ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ، وَ اجْعَلْ لَهُمْ قِسْماً مِنْ بَيْتِ مَالِكَ، وَ قِسْماً مِنْ غَلَاتِ صَوَافِي الْإِسْلَامِ فِي كُلِّ بَلَدٍ، ... وَ كُلُّ قَدِ اسْتُرْعِيَتْ حَقُّهُ؛ ... فَإِنَّكَ لَا تُعَدَّرُ بِتَضْيِيعِكَ النَّافَةَ لِإِحْكَامِكَ الْكَثِيرِ الْمُهْمِّ. فَلَا تُشْخِصْ هَمَّكَ عَنْهُمْ، وَ لَا تُصَعِّرْ حَدَّكَ لَهُمْ، وَ تَفَقَّدْ أُمُورَ مَنْ لَا يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْهُمْ، مِمَّنْ تَفْتَحِمُهُ الْعِيُونَ، وَ تَحْقِرُهُ الرِّجَالُ؛ فَفَرِّغْ لِأَوْلِيكَ نِقْتِكَ مِنْ أَهْلِ الْحَشِيَّةِ وَ التَّوَاضِعِ، فَلْيَرْفَعْ إِلَيْكَ أُمُورَهُمْ، ... وَ تَعَاهَدْ أَهْلَ الْيَتِيمِ وَ ذَوِي الرَّفْقَةِ فِي السَّنِّ مِمَّنْ لَا حِيلَةَ لَهُ، وَ لَا يَنْصِبُ لِلْمَسْأَلَةِ نَفْسَهُ، ...»؛ سپس خدا را خدا را در نظر بگیر در حق طبقه‌ی پایین جامعه، آنان که بیچاره‌اند، از مساکین، نیازمندان، بینوایان و زمین‌گیران. در میان اینان برخی اظهار نیاز کنند و برخی دست‌نیاز به‌سوی دیگران نگشایند، حقوقی را که خداوند از تو خواسته در باره‌ی ایشان نگاهداری، حفظ نما. برای آنان سهمی از بیت‌المال و سهمی از غلات اراضی خالصه‌ی اسلام در هر شهر را قرار ده. ... و از تو خواسته شده که حق همه‌ی ایشان را رعایت کنی. ... هرگز به امور آنان بی‌اهتمام مباش، و روی از آنان مگردان، به کارهای ضعیفانی که دستشان به تو نمی‌رسد، رسیدگی کن؛ همان‌ها که در چشم‌ها خوارند، و مردم تحقیرشان می‌کنند. کسی را که بدو اعتماد داری و خداترس و فروتن است، مأمور رسیدگی به امور ایشان قرار ده تا نیازها و مشکلات آنان را برایت گزارش دهد.... اداره‌ی امور یتیمان و سالخوردگان را که بیچاره گشته‌اند و دست‌نیاز پیش کسی دراز نکنند، بر عهده گیر (نامه، ۵۳).

آنچه بیان شد، بخشی از مهم‌ترین موارد تصریح شده در کلام حضرت امیر علیه السلام، دامنه وسیعی از نظارت بر افراد نزدیک حاکمان گرفته تا رفتارهای به‌ظاهر جزئی و شخصی کارگزاران از سویی، و نیز تاجران و محرومان جامعه از سوی دیگر را پوشش می‌دهد. شاید بتوان این مطلب را متذکر شد که گویا در ورای این دامنه گسترده از نظارت، هدف امیر مؤمنان علیه السلام، اقدام برای مچ‌گیری از افراد نیست؛ بلکه تلاشی برای حُسن انجام امور از سویی و نیز تحقق عدالت از ناحیه توجه به وضعیت عموم طبقات از سوی دیگر است. هم‌چنین یکی از اهداف نظارت در این دامنه وسیع را می‌توان تلاش برای حُسن انجام وظایف توسط کارگزاران حکومت و جلوگیری از بروز بدرفتاری از سوی آنان است تا موجب ایجاد خدشه‌ای به حاکمیت در اذهان عمومی نگردد.

نتیجه‌گیری

بر حسب مبانی اسلامی، خداوند هستی‌بخش، بر تمام آنچه در آسمان‌ها و زمین می‌گذرد، احاطه دارد و علاوه بر او، فرشتگان و سایر مأمورانش اعم از زمین و زمان و ... به فرموده او، بر کلیه اعمال و حتی نیات انسانها احاطه داشته و ناظرند. هر مسلمانی بر این اعتقاد است که کوچک‌ترین عمل اختیاری؛ خطا یا ثواب او ثبت و ضبط می‌گردد و در روز قیامت مورد رسیدگی قرار گرفته و هر کس به سزای اعمال خود می‌رسد. بدیهی است که نظارت الهیه با لایه‌ها و در سطوح مختلف آن، به‌واقع بایستی نقشی اساسی و تعیین‌کننده در جهت‌گیری‌های اعمال آدمی و نحوه رفتار او ایفا نماید. به همین دلیل، هر اندازه مسأله مهم نظارت خداوند و عوامل او، در جامعه اسلامی بیشتر مورد توجه قرار گیرد؛ به‌گونه‌ای که در باور انسان‌ها نفوذ کرده و درونی شود، میزان خطا و انحراف آنها کاهش یافته و به‌روزی جامعه انسانی در ابعاد مختلف آن تضمین می‌گردد و در نتیجه، زندگی در جامعه اسلامی، نمودی از جامعه مطلوب را به نمایش خواهد گذاشت.

با توجه به اینکه همه انسان‌ها از منظری، قدرت فهم و توان کسب شناخت و معرفت در یک درجه را ندارند و با هم متفاوتند، و از منظری دیگر، از شرایط محیطی و تربیتی

و جامعه‌پذیری یکسانی نیز برخوردار نیستند، در پیروی از هنجارهای اجتماعی، دستورهای دینی و فراگیری و پذیرش قواعد رفتار نیز یکسان عمل نمی‌کنند و دارای مراتب مختلفی‌اند. بنابراین، انتظار تحقق رفتاری کاملاً هم‌نویانه و منطبق با قواعد پذیرفته‌شده در جامعه انسانی، انتظار بی‌جایی است. بر این اساس، نظارت اجتماعی برای حمایت و حفاظت از هنجارهای اجتماعی بوده تا با رعایت آنها در واقع، نظم اجتماعی و بلکه تداوم جامعه میسر گردد؛ و به همین جهت، اهمیت نظارت اجتماعی را باید در راستای اقدامی برای بقای جامعه قلمداد کرد. استفاده از نیروهای غیررسمی و رسمی در جهت اعمال نظارت‌های اجتماعی همانند: امر و نهی، تشویق و توبیخ و مانند آن و یا به کارگیری پلیس، سازمان‌های بازرسی، نهادهای امنیتی، قوانین، دادگاه‌ها و محاکم قضایی در زمره آشکارترین و عینی‌ترین مظاهر نظارت اجتماعی است.

حضرت امیر علیه السلام در عین توجه به جایگاه تربیت دینی در رشد فکری و عقلی مردم برای پیروی از هنجارهای پسندیده و دوری از ظلم و تجاوز و تعدی به حقوق دیگران، که در بخش‌های گوناگون نهج‌البلاغه گزاره‌های ناظر به موعظه، انذار و تشریح از فراوانی خاصی برخوردار است، با این حال، از لزوم نظارت بر عملکرد کارگزاران و زمامداران جامعه که دست‌اندر کار امور مردم‌اند، و به کارگیری انواع مکانیسم‌های بازدارنده در ابعادی گسترده دریغ نمی‌ورزد.

در همین راستا امیر مؤمنان علیه السلام، با شیوه‌هایی همانند: مراقبت پنهانی، اعلام عمومی آمادگی برای دریافت گزارش از عملکرد زمامداران، درخواست مستقیم از خود کارگزاران برای ارائه گزارش عملکرد و ارسال صورت‌حساب مالی، احضار آنان و مهم‌تر از همه، استخدام مأمورانی مخفی برای نظارت بر عملکرد کارگزاران و ارائه گزارش به محضر حضرتش، به مقوله نظارت جامه عمل پوشانده است. همچنین حضرت، نظارت را در ابعاد و گستره مختلفی همانند: مراقبت از رفتار خواص و نزدیکان زمامداران، لزوم نظارت و مراقبت از رفتارهای جزئی و حتی شخصی آنان، نظارت بر کنش‌ها و اقدامات بازرگانان و نظارت بر وضعیت محرومان و درماندگان را دنبال کرده است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (مترجم: محمدمهدی فولادوند). تهران: دارالقرآن الکریم.
- * نهج البلاغه. (۱۳۹۰). مترجم: علی شیروانی. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
۱. الوانی، سیدمهدی. (۱۳۸۹). مدیریت عمومی. تهران: نشر نی.
 ۲. پیروز، علی آقا؛ شفیعی، عباس؛ بهشتی نژاد، سیدمحمود؛ الوانی، سیدمهدی و خدمتی، ابوطالب. (۱۳۸۳). مدیریت در اسلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۳. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا (ج ۱۳). تهران: انتشارات روزنه.
 ۴. کریمی، محمود؛ آل علی، مهناز. (۱۳۹۷). شیوه‌های کارآمد نظارت اجتماعی در نهج البلاغه. دوفصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی، ۱۰(۱۹)، صص ۱۲۵-۱۴۵.
 ۵. کوئن، بروس. (۱۳۷۲). درآمدی به جامعه‌شناسی (مترجم: محسن ثلاثی). تهران: نشر توتیا.
 ۶. محسنی، منوچهر. (۱۳۸۳). مقدمات جامعه‌شناسی. تهران: نشر دوران.
 ۷. مسعودی، محمداسحاق. (۱۳۹۳). حریم خصوصی و نظارت اجتماعی از منظر قرآن و نهج البلاغه. (رساله دکتری، استاد راهنما: علی نصیری). قم: دانشگاه معارف اسلامی.
 ۸. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۹۰). پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام؛ شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه (ج ۱۱). قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
 ۹. معین، محمد. (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی (۶ جلدی). تهران: امیرکبیر.

References

- * The Holy Qur'an. (Fooladvand, M. M, Trans.). Tehran: Dar al-Qur'an al-Karim.
 - * Nahj al-Balaghah. (1390 AP). (Shirvani, A, Trans.). Qom: Representation of the Supreme Leader in universities. [In Persian]
1. Alwani, S. M. (1389 AP). *public Management*. Tehran: Ney Publications. [In Persian]
 2. Coen, B. (1372 AP). *An Introduction to Sociology*. (Thalasi, M, Trans.). Tehran: Totia Publications. [In Persian]
 3. Dehkhoda, A. A. (1373 AP). *Dehkhoda Dictionary*. (Vol. 13). Tehran: Rozaneh Publications. [In Persian]
 4. Karimi, M., & Ale-Ali, M. (1397 AP). Effective methods of social monitoring in Nahj al-Balaghah. *Journal of Islam and Social Sciences*, 10(19), pp. 125-145. [In Persian]
 5. Makarem Shirazi, N et al. (1390 AP). *Message of Imam Amir al-Mo'menin. A fresh and comprehensive description of Nahj al-Balaghah*. (vol. 11). Qom: Imam Ali Talib Publications. [In Persian]
 6. Masoudi, M. I. (1393 AP). *Privacy and social monitoring from the perspective of the Qur'an and Nahj al-Balaghah*. (Doctoral dissertation, supervisor: Nasiri, A.). Qom: University of Islamic Studies. [In Persian]
 7. Moein, M. (1371 AP). *Persian Dictionary*. (6 Vols.). Tehran: Amirkabir. [In Persian]
 8. Mohseni, M. (1383 AP). *Introduction to Sociology*. Tehran: Doran Publications. [In Persian]
 9. Piruz, A., & Shafi'i, A., & Beheshtinejad, S. M., & Alwani, S. M., & Khedmati, A. (1383 AP). *Management in Islam*. Qom: Research Institute for Hawzah and University. [In Persian]